

# داستان‌های آوریافته در موسیقی ایران

فرهنگ رجایی

داستان‌های آوریافته و همچنان‌آور داستانهای فولکلوریک، ادبی و فرهنگی ایرانی سالی‌ها خواسته و وقایع پیش‌بینی‌نشده و خارج از قرار عادی است. داستان «سفرهای شاه» (سراندیب) یکی از این داستانها است که سراسر وقایع و حوادث پیش‌بینی‌نشده را بیان می‌کند که این داستان موجب شده است که کلمه «سراندیب» به واژگانی تبدیل شود. دانشگاه‌های انگلیسی چون اکسفورد و یاد دیگر فرهنگها به معنای «کشفهای خوشایند» از این واژه استفاده می‌کنند. فهرست شده<sup>۱</sup> نگارنده در سفری تحقیقاتی / دانشگاهی که به انگلستان رفت به یکی از این «سراندیب»ها برخورد نمود که در ادامه این مقاله گزارشی از آن خواهد آمد. این سراندیب پیدا کردن مجموعه‌ای از موسیقی اصیل ایرانی بود که توسط آیدین آریز (رام‌سین قلی، میرزا عبدالله، نایب‌اسدالله، میرزا اسدالله‌خان، درویش‌خان، قلی‌خان، میرزا علی‌اکبر خان، باقرخان، صفدرخان، و میرزا غلامرضا نواخته و توسط بزرگانی چون علی‌رضا خان، سلیمان نایب‌السلطنه، قربان‌خان و میرزا محمدخان خوانده شده است.

توسط آقای داور داریوش صفوت، استاد موسیقی دانشگاه تهران، داده شد که در بعضی گذشته‌ها ضبط شده است و باید رد پای آنرا پیدا نمود. من نه موسیقی‌دان و نه نوازنده ایرانیان این رشته و حرفه و هنر، اما به سبب پایبندی و گیرش‌های فرهنگی ایران و علاقه‌مندی به تاریخ و خورش را یافتن و احتمالاً احیاء این میراث مهم قرار دادم. از طرفی در کتاب «تاریخ الحوادث و خطرات مرحوم مخبرالسلطنه هدایت، که خود موسیقی‌شناس

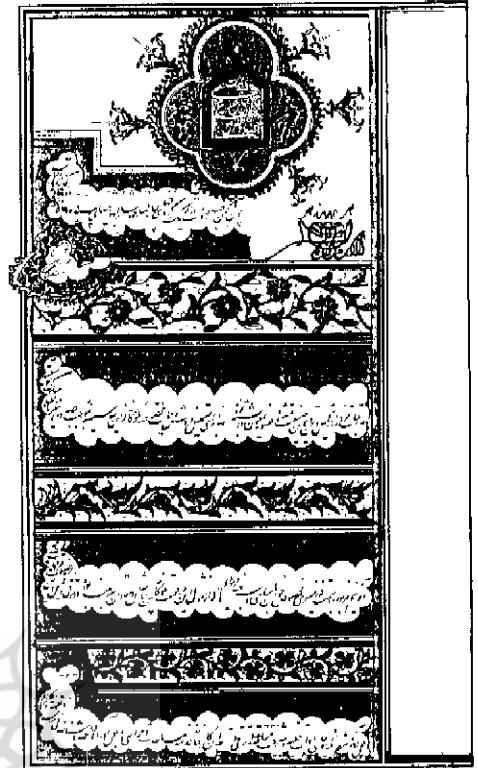
فرهیخته‌ای بود، مطلب زیر را خواننده بودم: «تا اواسط دورهٔ پهلوی اهل طرب طایفه‌ای ممتاز بودند. محترمین در مجالس، تقلید اهل تحقیق نمی‌کردند... امروز به یمن تمدن متغفن، همه رقاص شده‌اند... موسیقی امروز ما به تقلید رفته است، روی قیل و قال بیحالی، چنانکه مطبوع عوام است.»<sup>۲</sup> پرسشی که در این روند برایم طرح شد، این بود که ثمرهٔ کار اهل تحقیق و بدور از قیل و قال چه بوده است؟ در پی پاسخ به این پرسش بود که مشتاقانه و دل‌نگران موزه‌ها و آرشیوهای متعدد را در انگلستان درنوردیدم و پرسان‌پرسان به جویندگی پرداختم. بالاخره هم مطلوب را یافتم، یعنی آنچه را که به مصداق یکی از گوشه‌های موسیقی ایرانی باید «گنج سوخته» نامیدش. از مسئول خواستم یکی از صفحه‌های یکرویه و سنگی را برایم در دستگاه بنوازد و وقتی صدای ضبط‌شدهٔ سال ۱۳۲۳ ه. ق / ۱۲۸۵ ه. ش، یعنی، نود و پنج سال پیش را برایم نواخت بی‌اختیار اشک شوق سر دادم. معلوم شد، این اشک شوق بسیار به موقع بوده است زیرا مسئول نامبرده وقتی شور و حال را دید با حوصلهٔ تمام هرآنچه سند و مدرک موجود داشت در اختیارم گذارد. این «گنج سوخته» مرا بر آن داشت که قدری در باب سرگذشت موسیقی ایرانی در کتابخانه عظیم و معتبر بادلین در دانشگاه اکسفورد به پژوهش پردازم.

گویا ضبط صدا و حتی موسیقی در ایران به چندین سال قبل از این مرحله، یعنی در سال ۱۳۲۳، بازمی‌گردد.<sup>۳</sup> مثلاً، ناصرالدین‌شاه در سفرنامهٔ خویش در ذیل وقایع دوشنبه نهم ذی‌القعدة الحرام معادل ۱۳۰۶ / هشتم ژوئیه ۱۸۸۹ اینطور می‌نویسد: «... فتوگراف را وسط مجلس حاضر نمود، معلوم شد این نوع فتوگراف غیر از فتوگرافی است که در تهران ما داریم. هم سهل‌تر و هم صدا را بهتر پس می‌دهد.»<sup>۴</sup> اما آنچه من «گنج سوخته» می‌خوانم به ضبط در سال ۱۳۲۳ هجری قمری مربوط می‌شود. این مرحله از ضبط صدا در ایران با درخواست شخصی به نام ماکسیم پیک از مظفرالدین‌شاه برای اجازهٔ کسب فرمان ضبط و فروش گرامافون آغاز می‌شود. او ضمن ارائه یکی از جدیدترین گرامافونهای آنروز در درخواست خود (نسخه‌ای از متن انگلیسی که مطلب زیر از آن ترجمه شده گراور شده است) می‌نویسد: «به زودی دو مکانیک متخصص و لوازم ضروری برای ضبط آواهای ایرانی در گرامافون وارد خواهند شد. به همین دلیل، از خاکپای مبارک استدعا دارم که قبل از ورود این دو مکانیک، اعلیحضرت همایونی فرمان ملوکانه‌ای صادر فرمایند مبنی بر این‌که جامعه موسیقی دانان و بندگان ملوکانهٔ آواز، زیر نظر جناب ناصرالسلطنه در یکی از دو مکان مدرسهٔ نظام یا جای دیگر گرد هم آیند تا صدای خوش به جهت شادی اعلیحضرت ضبط گردد.» البته در نهایت هم قصد اصلی خود را بیان می‌دارد: «شرکت گرامافون مفتخر خواهد بود اگر حق انحصاری فروش و پخش گرامافون در کشور اعلیحضرت به این مؤسسه واگذار شود.» در واقع دلیل اصلی برای ضبط صداها و موسیقی ایران نه علاقه به فرهنگ ایران که فروش دستگاه‌هایشان بوده است. و این کار تجاری موجب خیری شده است و آن ضبط صداها و موسیقی‌های آن زمان است.

در پاسخ به این درخواست است که مظفرالدین شاه فرمانی صادر می‌کند و اجازه انحصاری را به شرکت واگذار می‌نماید. اصل فرمان بسیار بزرگ و زیبا است. نگارنده آن را در موزه مشاهده نمود. اما گویا از آنجا که شرکت مایل بوده است که به مشتری‌های خود در ایران ثابت نماید که فرمان شاهی پشتیبان کارشان است، عکس کوچکی از آن تهیه کرده و با هر دستگاهی که می‌فروخته‌اند یکی همراه می‌نموده‌اند. فتوکپی این عکس از فرمان گراور شده است. البته قبلاً در نشریات داخلی از این فرمان صحبت به میان آمده است. اما کمتر به سرگذشت آن توجه رفته است.<sup>۵</sup> متن فرمان به شرح زیر است: «چون انجمن ضبط اصوات در آمریکا گرامافونهای بسیار ممتاز خودشان را با ماشین‌های پسنیدیه از لحاظ نظر انور شاهانه گذرانده و مراتب مراقبات خود را در تکمیل و ترویج این صنعت مشهود حضور میمون داشته بودند [۱] لهذا برای تسهیل فروش و حمایت مخصوصه ملوکانه از این سوسپتیه بموجب صدور این فرمان مبارک سوسپتیه آنونیم مزبور را به سمت فورنیری مخصوص خودمان مباحی و سربلند فرمودیم [۲] که از شمول این مرحمت ملوکانه بین‌الامثال و لاقوان سربلند بوده در ترقی و تکمیل این صنعت مراقبات کافیه بعمل آورد [۳]. مقرر آن‌که اولیای دولت علیه در پیشرفت مقاصد حقه و ترقی و توسعه این کارخانه لازمه مساعدت و همراهی به عمل آورده و در عهده شناسند [۴] فی شهر ذی‌القعده الحرام ۱۳۲۳».

البته این فرمان پس از آن حاصل می‌شود که ماکسیم پیک صدای مظفرالدین شاه را ضبط می‌نماید و قدرت دستگاه جدید را برای او به نمایش می‌گذارد. نقل است که پنج صفحه در دربار پر شد که از این پنج صفحه دو عدد در حمل به خارج برای تکثیر از میان رفت و سه صفحه دیگر به شماره‌های زیر تهیه گردید که همه ۱۷/۵ سانتیمتری و یک‌طرفه است: G-C-2-11000؛ G-C-2-11001 و G-C-2-11002. از آنجا که از شاه خواسته شده که این صفحات را امضاء کند، برجسب‌های این صفحه‌ها به صورت چارگوش است تا برجسب دایره‌شکل روی صفحه، امضاء مظفرالدین شاه را نپوشاند. همانگونه که گراور برجسب نشان می‌دهد، بر روی آن نوشته زیر نقش بسته است: «فرمایشات بندگان مستطاب اعلیحضرت قدرقدر اقدس شاهنشاهی مظفرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطنته می‌باشد که مورخه شانزدهم ژانویه ۱۹۰۶ در گرامافون به ظهور پیوست».

پس از اخذ این فرمان و راضی کردن مظفرالدین شاه، توماس پیک وارد مرحله ضبط می‌گردد. در گزارش مفصلی که در پرونده موجود بود آمده است که ابتدا از مسیو لومر، معلم موسیقی دارالفنون، درخواست کمک و همکاری به عمل آمد ولی بجایی نرسید. توماس پیک سپس وارد تماس مستقیم با هنرمندان شد.<sup>۷</sup> در مجموع، آنطور که فهرست نشان می‌دهد ۲۱۳ عنوان صفحه پر شده است که شامل ساز تنها، ارکستر، آواز و جالبتر از همه مقدار زیادی تک‌گویی و تاتر است.<sup>۸</sup> متأسفانه نزدیک به نیمی از آنها از بین رفته است و موجود نیست. اما از بقیه آنها بر اساس مشورت با اهل فن بیش از شصت صفحه را ضبط و برای تکثیر به ایران آورده‌ام.



گراور برجسب

**GRAMOPHONE CONCERT RECORD**

Mars et Quadrille  
 Moins parée pour la

Fabrique par La C<sup>te</sup> The Gramophone and Typewriter Ltd et Sociétés Filiales

Gramophone par

**SA MAJESTÉ IMPÉRIALE MOUZAFEREDIN CHAH**

TÉHÉRAN, 16 Janvier 1906.

فرمایشات بندگان مستطاب اعلیحضرت قدر قدوس  
 آقدس شاهنشاهی مظفرالدین شاه خلدالله ملئکه  
 وسلطنته میباشد که مورد خه شازدهم ماه ژانویه ۱۹۰۶  
 در گراموفون بظهور پیوست

G. C. 2-11002

خوشبختانه با همت دوستان در مؤسسه انتشارات احیاء کتاب توانستیم مجوز خاص این موسیقی را از وزارت ارشاد اخذ نمایم که بزودی با عنوان «گنج سوخته» به صورت پژوهشی در موسیقی عهد قاجار در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. مجموعه تدارک دیده شده شامل کتابی خواهد بود که اطلاعات مفصل درباره این دوره از ضبط موسیقی را در اختیار قرار خواهد داد. ضمناً مجموعه آثار ضبط شده در چند نوار که همه آثار معرفی خواهند گردید ارائه می شود.

#### یادداشتها و منابع:

۱. در یک کتاب تحقیقی مهم، سرگذشت این داستانها و نحوه وارد شدن آنها به غرب از سال ۱۵۵۷ آمده است. نگاه کنید به:

Theodore G. Remer (ed.), *Serendipity and the Three Princes, from the Peregrinaggio*. (Norman: The University of Oklahoma Press, 1965).

۲. مهدقلی خان مخبرالسلطنه هدایت. *مخاطرات و خطرات*. (تهران: زوار، چاپ دوم، ۱۳۶۱)، صص ۴۱ - ۴۲.

۳. در این خصوص نگاه کنید به اثر مهم زیر: ساسان سپنتا. *تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران*. (اصفهان: انتشارات نیما، ۱۳۶۶).

۴. ناصرالدین شاه قاجار. *سفرنامه*. (تهران: چاپ سنگی، ۱۳۰۸ هـ. ق)، ص ۱۹۶.

۵. تحقیقات نگارنده موارد زیر را شناسایی نموده است: «مظفرالدین شاه و کارخانه ضبط صوت»، *اطلاعات ماهانه*. جلد سوم (۱۳۲۹) شماره ۶، صص ۳۸ - ۳۹؛ «مظفرالدین شاه»، *اسناد تاریخی فرمان مربوط به گرامافون*، «وحید» جلد اول (۱۳۴۲)، شماره ۱۱، ص ۸؛ «مظفرالدین شاه، فرمانی درباره ترویج و تسهیل فروش گرامافون»، *بررسیهای تاریخی*. جلد ششم (۱۳۵۰)، شماره ۲، صص ۲۳۵ - ۲۴۰.

۶. گزارش مربوط به ضبط صدای مظفرالدین شاه که نسخه ای از آن در نزد نگارنده موجود است.

۷. گزارش مفصل توماس پیک که در کتاب همراه با مجموعه چاپ خواهد شد.

۸. در کاتالوگی که تاریخ ۱۹۰۸ را دارد فهرست کارهای ضبط شده آمده است. ترجمه این کاتالوگ نیز در کتاب همراه مجموعه چاپ خواهد شد.